



## چگونه در نواحی عرضه و تقاضا ترید کنیم

مترجم :

نادر اسدی



تفاوت بین عرضه و تقاضا با حمایت و مقاومت ناچیز است. ولی تریدری که نحوه ایجاد عرضه و تقاضا را می داند می تواند مرزهای ترید خود را و رای انتظارات قرار دهد. عرضه و تقاضا مفهومی است که چگونگی حرکت بازارهای مالی را تحلیل می کند در هر چارت قیمتی، مناطق و نقاط قیمتی ای وجود دارد که بالانس قدرت بین خریداران و فروشندگان بطور مشهودی به نفع یک گروه تغییر می کند. و به این مناطق یا نقاط، عرضه و تقاضا گفته می شود. ناظرین هوشیار به راحتی این نقاط قیمتی را به منظور بهره برداری و کسب سود رصد می کنند درحالیکه اماتورها غالبا از درک این مفهوم بنیادین قیمت عاجزند.

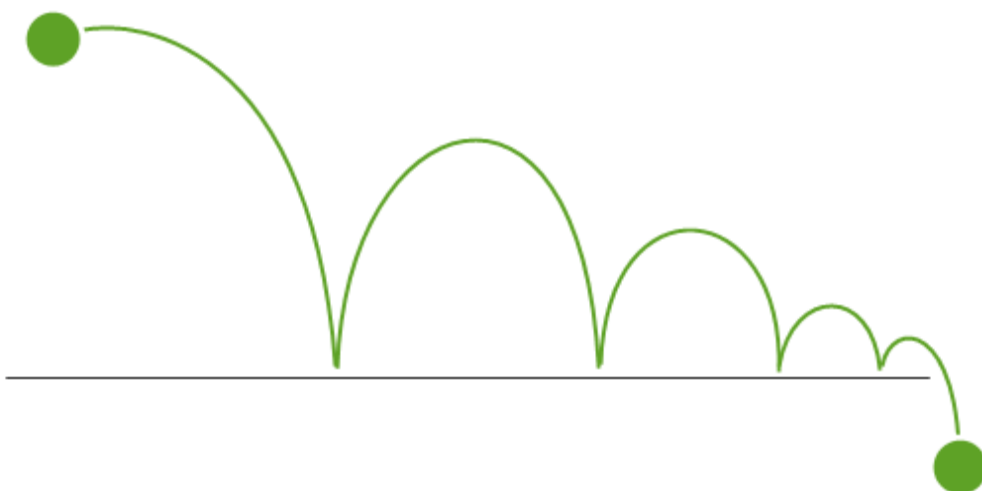
### جذب سفارشات - چرا اغلب معامله گران اشتباه می کنند

آنچه در ذیل به تشریح ان می پردازیم همان چیزی که صدها بار شاهد ان بوده ایم و اون در واقع رفتار کلاسیک قیمت در حول سطوح حمایتی است. دانش معامله گری به شما می گوید که با هر تماس با یک سطح قیمتی، منطقه حمایتی قویتر می شود. در حالیکه این مطلب راهی به واقعیت جلو نمی برد آنچه که قیمت را به پایین می برد عدم توازن بین خریداران و فروشندگان است. در واقع فعالیت فروش بیشتر از خرید است. و زمانی که قیمت به سطوح حمایتی می رسد، خریداران دوباره وارد بازار می شوند و با تعداد زیادتر بر فروشندگان غلبه می کنند. و سپس قیمت بالا می رود تا زمانیکه دوباره توجه فروشندگان جلب شود و قیمت را به پایین برانند. این نگاه به بازار کاملا ابتدایی است ولی حرکت بازار را تشریح میکند.

با وجود این هرگاه که یک سطح حمایتی قیمت بوجود می آید، در هر بار (برخورد قیمت با ان) خریداران کمتر و کمتری در آنجا انتظارش را می کشند. زیرا در یک نقطه همه خریدارانی که تمایل به خرید داشتند معامله خود را انجام داده اند. به این پدیده جذب سفارشات گفته می شود. تصویر ذیل نشان می دهد که قیمت در هر بار تماس های کمتری بوجود آورده و در نهایت سطح حمایتی را شکسته است. زمانی که همه افراد خرید کردند و و زمانیکه هیچ خریداری باقی نماند سطح حمایتی خواهد شکست و قیمت میریزد تا وقتی که به سطحی از قیمت برسد که خریداران مجددا به ان علاقه مند شوند.



تصور کنید جذب سفارشات در حول سطح قیمتی مانند توپی باشد که به زمین می افتد. هر بار که توپ به زمین ضربه میزند. قسمتی از انرژی آن توسط زمین جذب می شود. لذا هر بار فاصله توپ از زمین کمتر از دفعه قبل خواهد بود تا وقتی که همه انرژی آن گرفته شود و توپ لاجرم بایستد.



**نکته: کتابهای تحلیلی تکنیکال شما می گویند که سطوح حمایت / مقاومت با هربار تماس قویتر می شوند. که این درست نیست و باعث دردسر معامله گران میشود.**

### شناسایی محتملترین نواحی عرضه و تقاضا

اجازه دهید نگاهی به چند چارت بیاندازیم و ببینیم چطور می توانیم از دانش مان برای یافتن فرصتهای معامله گری استفاده کنیم. محتمل ترین سطوح قیمتی آنهایی هستند که بیشترین عدم توازن بین خریداران و فروشندگان را دارند. حال ببینیم معنی این حرف چیست؟ هر وقت شاهد یک رالی بودید و بعد به صورت ناگهانی، بدون هیچ هشدار قبلی در آن نقطه قیمت برگشت و و مثل یک سنگ افتاد، این مناطق دارای عدم توازن زیاد هستند.

**نکته: محتمل ترین سطوح قیمتی آنهایی هستند که بیشترین عدم توازن بین خریداران و فروشندگان را دارند.**



حال بیاید از دید بیطرف به این قضیه نگاه کنیم. از اینکه میبینید در چارت یک رالی داریم و بطور ناگهانی قیمت با یک کندل بر می گردد. و یک فروش قوی شروع می شود ، چه چیزی را متوجه می شویم. دقیقاً، فروشندگانی که در آن قیمت وارد بازار شده اند طوری بر خریداران غلبه کرده اند که قیمت تحمل مقاومت در مقابل آنها را نداشته است. تعداد سفارشات فروش زیادی برای از کار انداختن یک روند و فراتر از آن معکوس نمودن آن باید وجود داشته باشد.

اما این تنها یک درک تحلیلی از بازار نمی تواند باشد. بلکه شما می توانید از آن برای ایجاد فرضیاتی برای حرکت آینده قیمت استفاده کنید. هر وقت که منطقه ی قیمتی ای دیدید که با دلیل بتوان فرض کرد که همه فروشندگان نتوانسته باشند که سفارشات خود را در فروش اول اجرایی کرده باشند نقاط ایمنی برای این فرضیه بشمار می روند. همه ما چنین نقاطی را دیده ایم برای مثال در طی اخبار با شدت اثر بالا قیمت به راحتی جهش می کند و ما قادر نیستیم سفارشان را اجرایی کنیم نظیر همین اتفاق برای جهش ها در مناطق عرضه و تقاضا افتاده است.

علاوه بر این ، این احتمال هم وجود دارد که در موارد فروش نا گهانی فروشندگان بیشتری منتظر باشند تا بالاتر از آن سطح بفروشند. برای مثال اگر قیمت 50 دلار بوده باشد. این احتمال بالاست که فروشندگانی به انتظار قیمت 51 دلار را برای فروش بوده باشند و نتوانسته باشند اردرهای فروش خود را اجرایی کنند. این مورد توجه به مفهومی دارد که به آن معامله گری فضای سفید گفته می شود. و معمولاً توجه به آن باعث سرگیجه ادم میشود. و در واقع این مفهوم درک جدیدی از بازار را به معامله گران می دهد.



**نکته: معامله گری فضای سفید به معنای این است که قیمت سفارشات باقی مانده (اجرا نشده) قبلی را بر می دارد معامله گران را در جهت خلاف بازار جا می گذارد.**



### مثال چارت (عدم توازن های عرضه و تقاضا)

به طور اختصاصی سه چیز هستند که زمانی که می‌خواهیم مناطق قیمتی با احتمال بالا را شناسایی کنیم باید دنبالشان بگردیم

1) یک حرکت روند قوی قبل از بازگشت قیمت

2) یک بازگشت قوی، قیمت بلافاصله برگردد و در سطح باقی نماند.

**نکته: همیشه منتظر فشردگی (فشار) بمانید**

**اجازه ندهید عرضه و تقاضا به کف و سقف های قابل پیش بینی برسند. به انتظار نشستن یک فشار تایید شده و ورود بعد از بازگشت قیمت کلیدهای معامله گری عرضه و تقاضا هستند. که در واقع سخت ترین بخش این درس نیز همین جاست.**

3) یک روند قوی در جهت مخالف

در نمودار ذیل شش نقطه وجود دارد که به عنوان مناطق قیمتی با احتمال بالا تایید شده اند. همه این شش نقطه نشانگر عدم توازن بزرگی میان خریداران و فروشندگان است و همراه با یک تغییر ناگهانی در جهت روند بوده است. نقاط برگشتی که با اعداد مارک شده است نقاط عدم توازن ابتدایی قیمت بین خریداران و فروشندگان بوده است. زمانی که قیمت دوباره به این مناطق قیمتی بر می‌گردد دوباره فرصت‌های معاملاتی بوجود می‌آید (مناطق قوی که تیک خورده اند).



اولین نقطه یک سویینگ های بعد از یک رالی بوده است. قیمت با فقط یک کندل پین بار برگشته و بعدش ریزش کرده. زمانی که قیمت برای بار دوم به این سطح رسیده بلافاصله برگشته ولی در نهایت این فروش بوده که غلبه کرده. بعضی اوقات تراکم قیمت ممکن است قدری طول بکشد. با این وجود تا زمانی که قیمت این سطح را نقض نکند، این سطح معتبر باقی خواهد ماند.

نقطه دوم یک پولبک در طی یک روند نزولی بوده است (یک پولبک صعودی قوی با سه کندل صعودی بزرگ) با این وجود قیمت همچنان بر می گردد و با قدرت به روند نزولی خود ادامه می دهد. در این نقطه نیز زمانی که قیمت دوباره به آن می رسد سرانجامی به جز فروش ندارد.

سومین نقطه یک کف قیمتی بوده، بعد از یک روند نزولی طولانی قیمت یک بانس قوی شده. در دفعه بعد که قیمت به آن نقطه رسیده با حمایت خریداران روبرو شده است. و همین روال ادامه خواهد داشت...

کافیست روبروی چارت بنشینید و سعی کنید که مناطقی که در بالا گفته شد در زمانی که روند بلافاصله بر می گردد را پیدا کنید. هر چقدر پس زدن قیمت و روندهای قبل و بعد از رسیدن قیمت به این مناطق قویتر باشد احتمال اینکه این واکنش به قیمت در آن منطقه از چارت در بار بعد نیز بالاتر باشد محتمل تر است.

### اما چند مثال متناقض

زمانی که به چارت می نگرید بهترین نواحی عرضه و تقاضا با بزرگترین عدم توازن بین خریداران و فروشندگان می تواند منجر به جلب نظر شما شود. با این وجود ممکن است شما به فکر انجام یک ستاپ معاملاتی با احتمال موفقیت بالا در این نقاط باشید در حالیکه این نقطه چنین پتانسیلی را نداشته باشد. که البته هر ستاپی با هر روشی هم ممکن است درست از کار در نیاید.

تصویر ذیل چهار نقطه را نشان می دهد که بسیاری از معامله گران را با مشکل روبرو ساخته است. با این وجود عدم الگوی بازگشتی قوی و فقدان یک روند قوی در بازگشت را می شده در سطوحی که اشتباه تشخیص داده شده مشاهده کرد.



### الگویی برای تمامی بازارها بدون در نظر گرفتن زمان

شما می توانید این الگو را در هر بازاری، برای هر دارایی و در هر تایم فریمی پیدا کنید، چرا که این الگو جلوه ای است از واکنش بین خریداران و فروشندگان. گرچه این الگو همه وقتی کار نخواهد کرد. با این وجود اطلاعات کافی ای درباره جریان سفارشات بدست می دهد که به معامله گر برای شناسایی سطوح قیمتی با احتمال بالا کمک می کند.

برای بکارگیری این الگو بخصوص در مورد فارکس (ارزهای ماژور) و سهام بازار های با نقدینگی بالا، نیاز مند عدم توازن قابل توجهی میان خریداران و فروشندگان هستیم برای اینکه بازار بتواند بلافاصله باز گردد.